روزنه

وزیر اطلاعات خبر داد

ضربه اطلاعاتی ایران به «سی‌آی‌ای» و «ام‌آی۶»

● **ایلنا:** وزیر اطلاعات روز گذشته در سخنرانی پیش از خطبه‌های نماز جمعه تهران تأکید کرد: کار اطلاعاتی کاری مردمی است. از مردم و برای مردم و با همراهی مردم است. امنیت برای مردم و نه بر مردم است. امنیت در تمام زمینه‌ها و عرصه‌ها مدنظر است؛ ازجمله در زمینه‌های امنیتی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و رسانه‌ای. کار اطلاعاتی در زمینه جان، مال و آبروی مردم است. تلاش سربازان گمنام حماسه‌هایی را رقم زده است. حجت‌الاسلام سیدمحمود علوی اظهار کرد: در یک سال گذشته با ۱۱۴ تیم تکفیری، ۱۱۶ تیم مرتبط با منافقین، ۴۴ تیم ضدانقلابی و ۳۸۰ تیم قاچاق مواد مخدر برخورد شده و اقدامات ۱۸۸ تیم عملیاتی خنثی شده و ازجمله آنها و آخرین آنها دستگیری چهار نفر در جنوب غرب کشور و کشف ۱۵ هزار فشنگ کلاشنیکف از آنان بوده است. صدها تلاش سرویس‌های بیگانه برای جلب همکاری افرادی در داخل کشور به‌عنوان جاسوس نیز شناسایی و خنثی شده و از به‌دام‌افتادن صدها نفر از نیروهای مؤثر و مفید کشور صیانت شده است. علوی گفت: ده‌ها جاسوس که جذب دستگاه‌های اطلاعاتی کشورهای بیگانه شده بودند، در مراکز حساس کشور شناسایی و به دستگاه قضائی معرفی شدند و گزارش شناسایی این جاسوس‌ها مایه بهت همه آنانی شد که در عملکرد وزارت قرار گرفتند. وزیر اطلاعات یادآور شد: وزارت اطلاعات سرویس‌های بیگانه‌ای را که اقدام به جذب این افراد کرده بودند، دچار سرگیجه کرد. وزارت اطلاعات در عرصه ضدجاسوسی، راهبرد را از ضدجاسوسی پدافندی به ضدجاسوسی آفندی و تهاجمی تغییر داده و در مصاف با سرویس‌های اطلاعاتی بیگانه و متخاصم، ضربه‌هایی کاری بر آنها وارد کرده‌ایم. او افزود: در فرایندی پیچیده، در برابر سرویس اطلاعاتی آمریکا سی‌آی‌ای، شبکه جاسوسی این سرویس شامل ۲۹۰ جاسوس در کشورهای مختلف ازجمله کشور خودمان شناسایی شدند و در تبادل اطلاعات با سرویس کشورهای دوست، در اختیار آنها قرار گرفتند و در کشورهای مختلف منابع سی‌آی‌ای شناسایی و دستگیر شدند و ارتباط سی‌آی‌ای با منابع آنها به‌هم ریخت؛ به‌گونه‌ای‌که در آمریکا کمیته شکست را تشکیل دادند و رئیس سی‌آی‌ای ورود این ضربه از سوی جمهوری اسلامی را بر سرویس آمریکا تأیید کرد. وزیر اطلاعات بیان کرد: اخیرا یاهونیوز با ۱۱ نفر از صاحب‌نظران آمریکا مصاحبه کرده و یکی از تحلیلگران امنیت آمریکا می‌گوید این موضوع یکی از فاجعه‌آمیزترین ضربات بعد از ۱۱ سپتامبر است و یکی دیگر می‌گوید زمانی که این اتفاق افتاد، گویا هیچ مسئله دیگری برای سی‌آی‌ای وجود نداشت و وقتی سوخت‌وسوزهایی به این شکل در سیستمی اطلاعاتی به وجود می‌آید، مثل این است که همه چیز بد و تاریک پیش می‌رود و ضربه به‌گونه‌ای بود که آمریکایی‌ها از آن به‌عنوان افتضاح اطلاعاتی یاد کردند. او گفت: در آینده‌ای نزدیک، جزئیاتی از این اقدام اطلاعاتی در مصاف با سی‌آی‌ای از طریق رسانه‌ها در اختیار شما مردم قرار خواهد گرفت و شبیه همین ضربه به سرویس ام‌آی۶ انگلستان وارد شد که اطلاعات آن را نیز در آینده‌ای نزدیک و در موقع مناسب خواهیم گفت. علوی گفت: فرزندان شما در وزارت اطلاعات، سلطه اطلاعاتی خود را تا اعماق رژیم اشغالگر قدس گسترش دادند که صدای خود آنان درآمد که بعضی از افراد کابینه آنها جذب همکاری وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی ایران شده‌اند. در یکی از این اقدامات ضدجاسوسی، شرکتی را که در یکی از مراکز حساس قطعات معیوب را تزریق می‌کرد، کشف کردیم که اگر کشف نمی‌شد و آن مرکز راه‌اندازی می‌شد، سر از فاجعه‌ای بشری درمی‌آورد. در این اقدام ضدجاسوسی، وزارت اطلاعات موفق به کشف این مجموعه و خنثی‌کردن و شناسایی قطعات معیوب شد. وی ادامه داد: وزارت بر مفسدان اقتصادی بی‌رحمانه تاخته است و مبارزه جدی با قاچاق کالا و ارز و صیانت از اموال مردم را مدنظر دارد. در شرکتی که وابسته به یکی از بانک‌ها در خارج از کشور بود، ۲۰۹ میلیون درهم اماراتی به سرقت رفت و سارق که خانم بود، به کشورهای مختلف متواری بود و قدرت اطلاعاتی ما او را تعقیب کرد تا سرانجام او را به کشور بازگرداندیم و سرمایه مردم را بازگرداندیم. هک‌کردن بانک‌ها نیز بود که ۱۵۰ میلیارد از پول مردم را با هک گرفته بودند و به یکی از کشورهای همسایه گریخته بودند. این فرد را هم شناسایی و به کشور برگرداندیم. امنیت اقتصادی همواره مدنظر وزارت اطلاعات بوده است.

از گارد ملی تا سپاه پاسداران

سپاه چگونه شکل گرفت

مهرشاد ایمانی: انقلاب اسلامی که به پیروزی رسید، امام خمینی(ره) از بیم کودتای نظامی ارتش به اعضای دولت موقت دستور داد تا زمینه‌های تشکیل یک گارد ملی را بررسی کنند. حسین لاهوتی با حکم امام مسئول تشکیل این گارد شد که به دلیل آنکه واژه «گارد» یادآور «گارد جاویدان شاهنشاهی» نظام پیشین بود، با پیشنهاد محمد توسلی نام سپاه پاسداران انقلاب اسلامی جایگزین گارد ملی شد و امام دستور داد که این نهاد تازه‌تأسیس زیر نظر دولت موقت اداره شود.

چگونگی تشکیل سپاه

محمد توسلی، از اعضای نهضت آزادی، درباره آن روزها، چند سال قبل در یادداشتی نوشته بود: «نبود نیروهای حافظ امنیت با واکنش رهبر فقید انقلاب مواجه شد که اعلام کردند برای جلوگیری از تشنج‌ها و ایجاد نظم، گارد ملی تشکیل شود. تشکیل گارد ملی به دولت موقت و از سوی آن به دکتر ابراهیم یزدی، معاون نخست‌وزیر در امور انقلاب، سپرده شد و او با توجه به همکاری‌ای که با یکدیگر داشتیم و به‌ویژه اینکه کارشناسی ارشد بنده در آمریکا در زمینه سازماندهی بود، تصدی امور مربوط به تدوین اساسنامه آن را به من سپرد. همزمان امام حکمی به آیت‌الله لاهوتی دادند و وی نماینده رهبر انقلاب در پروژه تشکیل امور گارد ملی شد. من و لاهوتی در پادگان باغشاه مستقر شدیم و از ۲۳بهمن تا هفت اسفند -که من به شهرداری تهران رفتم- پیش‌نویسی برای اساسنامه گارد ملی تدوین کردیم که این پیش‌نویس به معاونت امور انقلاب (دکتر یزدی) سپرده شد. در این پیش‌نویس شورای فرماندهی و واحدهایی در زیرمجموعه آن پیش‌بینی شده بود. شورای فرماندهی پنج عضو داشت؛ نماینده وزارت کشور که مسئولیت حفظ امنیت کشور را داشت (سرگردی از ژاندارمری)، نماینده دادستان کل کشور (آقای شهشهانی، دادستان کل، آقای فاتحی را معرفی کردند)، نماینده ستاد مشترک (سرهنگ دیزجی)، نماینده مقام رهبری (آیت‌الله لاهوتی) و نماینده دولت (دکتر ابراهیم یزدی). واحدهایی زیرمجموعه شامل واحدهای آموزش و واحدهای اطلاعات و تحقیقات بود».

محسن رفیق‌دوست نیز در خاطرات خود درباره تشکیل سپاه آورده است: «احساس می‌کردم این سپاهی که در حال شکل‌گیری است، سپاهی نیست که مدنظر امام بوده است. از طرف دیگر در سه تشکل دیگر هم نیروهایی به صورت مسلح فعالیت می‌کردند که شامل گارد انقلاب تحت نظر ابوشریف، گارد دانشگاه (پاسا) با نظارت شهید محمد منتظری و افراد گروه‌های مسلح مبارز قبل از انقلاب که سازمان مجاهدین شکل داده بود، می‌شدند».

رفیق‌دوست در ادامه ذکر خاطراتش از جلسه‌ای می‌گوید که مورد تأیید جواد منصوری، نخستین فرمانده سپاه نیست: «ابوشریف، شهید منتظری و شهید محمد بروجردی از سوی سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی را دعوت کردم و در اتاقی را که در آنجا جمع شده بودیم، قفل کردم. یک کلت کمری ۴۵ داشتم، آن را روی میز گذاشتم و گفتم افرادی که از هر چهار گروه موجود می‌شناسم، همه یک هدف را تعقیب می‌کنند که ایجاد نیرویی برای حفاظت از انقلاب است. شما مبنای قانونی ندارید. حکم ما از سوی امام است که ما را مجاز به فعالیت زیر نظر دولت موقت کرده است.

انتقاد عمده آنها به سپاه نظارت دولت موقت بر آن بود که گفتم درهرصورت این حکم امام است. گفتم اگر در این جلسه نتوانیم به نتیجه‌ای برسیم، اول شما سه نفر را می‌کشم، بعد خودم را و همه را راحت می‌کنم. خوشبختانه در آن جلسه به این نتیجه رسیدند که حرف منطقی است و بهتر است بنشینیم و باهم مذاکره‌ای برای ادغام انجام دهیم. قرار شد از هرکدام از این مراکز سه نفر انتخاب شوند. این ۱۲نفر بنشینند و بحث ادغام را پیگیری کنند».

واگذاری نظارت بر سپاه به شورای انقلاب

به هر روی، ماجرای کلت کمری رفیق‌دوست درست باشد یا نه، در فروردین سال ۵۸ گروه سه نفره‌ای متشکل از محسن رضایی، محسن رفیق‌دوست و عباس دوزدوزانی در قم نزد امام رفتند و با استدلال‌های خودشان گفتند که سپاه باید زیر نظر شورای انقلاب اداره شود. امام هم در این دیدار با درخواست آن سه نفر موافقت کرد و سپس هاشمی‌رفسنجانی از طرف شورای انقلاب به‌عنوان نماینده این شورا برای پیگیری کارهای سپاه انتخاب شد و از آن پس سپاه تحت نظر دولت موقت اداره نشد.

توسلی در ادامه یادداشت مذکور می‌نویسد: «پس از تصویب پیش‌نویس اساسنامه در شورای فرماندهی و شروع کار واحدهای زیرمجموعه و انتخاب فرماندهان سپاه در چند مرکز استانی و پس از برگزاری اولین گردهمایی فرماندهان و فعالان سپاه پاسداران در پادگان عباس‌آباد که من و لاهوتی نیز در آن شرکت داشتیم، جمعی که با حضور چنین نهادی در دولت موقت موافق نبودند در پادگان جمشیدیه نهادی موازی تشکیل دادند و در همان فروردین ۵۸ پس از انتقال آقای یزدی به وزارت امور خارجه، نهاد سپاه از دولت موقت جدا شد و زیرمجموعه شورای انقلاب قرار گرفت.

دکتر چمران که در دولت موقت جایگزین دکتر یزدی، یعنی معاونت امور انقلاب شده بودند، اقدام به تشکیل نیروی ویژه کردند و بنابراین در فاصله اندکی برخی در شورای انقلاب خواستار آن شدند که مدیریت سپاه از کنترل دولت موقت خارج شود؛ بر این اساس مدیریت و فرماندهی سپاه از دولت خارج شد».

پس از آنکه سپاه از دولت موقت جدا شد، نخستین شورای فرماندهی سپاه پاسداران متشکل از جواد منصوری، فرمانده و عضو شورای فرماندهی، عباس آقازمانی (ابوشریف)، مسئول واحد عملیات و عضو شورای فرماندهی، علی‌محمد بشارتی و بعدها محسن رضایی، مسئول اطلاعات و تحقیقات و عضو شورای فرماندهی، سیداسماعیل داوودی، مسئول اداری و مالی، محسن رفیق‌دوست، مسئول تدارکات و مرتضی الویری، مسئول روابط عمومی تشکیل شد.

اهداف سپاه

سپاه پاسداران که نهاد حافظ انقلاب و ارزش‌های ملی محسوب می‌شد با تصویب اصل ۱۵۰ قانون اساسی وجه قانونی گرفت و بعد از تصویب این قانون دیگر موضوع موقتی‌بودن آن منتفی شد. این اصل مقرر می‌دارد: «سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که در نخستین روزهای پیروزی این انقلاب تشکیل شد، برای ادامه نقش خود در نگهبانی از انقلاب و دستاوردهای آن پابرجا می‌ماند. حدود وظایف و قلمرو مسئولیت این سپاه در رابطه با وظایف و قلمرو مسئولیت نیروهای مسلح دیگر با تأکید بر همکاری و هماهنگی برادرانه میان آنها به‌وسیله قانون تعیین می‌شود».

سپاه بر اساس قانون اساسی باید پاسداران انقلاب اسلامی باشد و گفته می‌شود که در ابتدای کار و حتی پیش از تصویب قانون اساسی اهداف این نهاد نظامی بر پنج محور استوار بود. علاوه بر این اهداف ارزشی و انقلابی، حضرت امام مشخصا توصیه‌هایی به این نهاد مهم داشتند؛ از جمله در یکی از سخنرانی‌های ایشان منتشرشده در صحیفه امام، جلد ۱۸، صفحه۴۵، گفته بودند: «باید سعی کنید جهات سیاسی در سپاه وارد نشود که اگر افکار سیاسی وارد سپاه شود، جهات نظامی آن از بین می‌رود، همیشه به سپاه سفارش کنید که آنان خودشان را یک جنگنده خدمتگزار مردم بدانند».

همچنین سپاه از دخالت در امور اقتصادی منع شده است؛ چنانکه در سال ۹۶ وزیر دفاع خبر داد که رهبر معظم انقلاب به ستاد کل نیروهای مسلح ایران مأموریت داده تا واگذاری بنگاه‌های اقتصادی «غیرمرتبط» در سپاه پاسداران، ارتش و وزارت دفاع را پیگیری کند.

موضع رهبر انقلاب درباره ورودنکردن سپاه به مسائل اقتصادی غیرمرتبط و نیز دیدگاه امام مبنی‌بر منع دخالت سیاسی نیروهای نظامی حکایت از آن دارد که سپاه باید در محدوده قانون اساسی و ارزش‌های صدر انقلاب عمل کند تا در این صورت همواره مانند ۴۰ سال گذشته فارغ از هرگونه گرایش سیاسی و اقتصادی حافظ منافع ملی باشد.

نگاهی به فرایند انقلاب فرهنگی در سال ۵۹

از انقلاب تا تعطیلی دانشگاه

شرق: آخرین روزهای فروردین و اردیبهشت ۵۹، انقلاب در حال اثرگذاری بر دانشگاه‌ها بود؛ وقایعی که از فروردین سال ۵۹ آغاز شده بود و بعد از آن با سخنرانی امام خمینی و تأکید بر اسلامی‌شدن علوم در دانشگاه‌ها شتاب گرفت.

در بسیاری از دانشگاه‌های کشور، مقاومت گروه‌های دانشجویی که سمپات جریان‌های سیاسی روز مانند مجاهدین خلق، گروه‌های چپ ازجمله پیکار و چریک‌های فدایی بودند، در برابر گروه‌های دانشجویی مسلمان ازجمله انجمن‌های اسلامی و وابستگان به دانشجویان پیرو خط امام، فضای دانشگاه‌ها را به تشنج کشاند. در ماجرای معروف به انقلاب فرهنگی، دانشگاه‌ها برای پاک‌سازی برخی استادان و دانشجویان و تألیف کتب دانشگاهی با رویکرد جدید تعطیل شدند.

سخنرانی امام خمینی

امام خمینی در سخنرانی اول اردیبهشت سال ۵۹ در جمع انجمن‌های اسلامی و سازمان‌های دانشجویی مسلمان، بر موارد متعددی تأکید کرده بود که از مهم‌ترین فرازهای آن می‌توان به این عبارات توجه کرد: «... هر علمی دو قسم است؛ علم هندسه یکی اسلامی است، یکی غیراسلامی. علم فیزیک یکی اسلامی است، یکی غیراسلامی. از این جهت اعتراض کردند به اینکه علم، اسلامی و غیراسلامی ندارد... آنچه که ما می‌خواهیم بگوییم این است که دانشگاه‌های ما، دانشگاه‌های وابسته است. دانشگاه‌های ما دانشگاه‌های استعماری است. دانشگاه‌های ما اشخاصی را که تربیت می‌کنند، تعلیم می‌کنند، اشخاصی هستند که غرب‌زده هستند. معلمین بسیاری‌شان غرب‌زده هستند و جوان‌های ما را غرب‌زده بار می‌آورند. ما می‌گوییم که دانشگاه‌های ما یک دانشگاه‌هایی که برای ملت ما مفید باشد، نیست... ما می‌گوییم که دانشگاه ما مبدل شده است به یک میدان جنگ تبلیغاتی. ما می‌گوییم که جوان‌های ما اگر علم هم پیدا کردند، تربیت ندارند... دانشگاه‌ها باید تغییر بنیانی کند و باید از نو ساخته بشود که جوانان ما را تربیت کنند به تربیت‌های اسلامی. اگر تحصیل علم می‌کنند، در کنار آن تربیت اسلامی باشد، نه آنکه اینها را تربیت کنند به تربیت‌های غربی. نه آنکه یک دسته به طرف غرب بکشانند جوان‌های ما را و یک دسته به طرف شرق و یک دسته با اشخاصی که با ما جنگ دارند... معنی اسلامی‌شدن دانشگاه این است که استقلال پیدا کند و خودش را از غرب جدا کند و خودش را از وابستگی به شرق جدا کند و یک مملکت مستقل، یک دانشگاه مستقل، یک فرهنگ مستقل داشته باشیم...».

بیانیه شورای انقلاب

شورای انقلاب نیز پس از ملاقاتی که با امام خمینی داشت، در بیانیه‌ای در بیست‌ونهم فروردین همان سال اعلام کرد دانشگاه‌ها نباید ستاد عملیاتی گروه‌های مختلف باشند. به گزارش تاریخ ایرانی، در این بیانیه سه روز مهلت برای برچیده‌شدن دفاتر و تشکیلات گروه‌ها در دانشگاه‌ها تعیین و افزوده شده بود که امتحانات دانشگاهی باید تا ۱۴ خرداد پایان یابند و از ۱۵ خرداد دانشگاه‌ها تعطیل و هرگونه اقدام استخدامی و مانند آن در دانشگاه متوقف شده و نظام آموزشی کشور بر اساس موازین انقلابی و اسلامی طرح‌ریزی شود. پس از تعطیل رسمی دانشگاه‌ها، امام خمینی در بیست‌وسوم خرداد سال ۵۹ فرمانی مبنی بر تشکیل ستاد انقلاب فرهنگی صادر کردند.

فرمان امام خمینی

بر اساس فرمان امام خمینی، به «محمدجواد باهنر، مهدی ربانی‌املشی، حسن حبیبی، عبدالکریم سروش، شمس آل‌احمد، جلال‌الدین فارسی و علی شریعتمداری مسئولیت داده می‌شود تا ستادی تشکیل دهند و از افراد صاحب‌نظر، متعهد، از بین اساتید مسلمان و کارکنان متعهد باایمان و دیگر قشرهای تحصیل‌کرده، متعهد و مؤمن به جمهوری اسلامی دعوت نمایند تا شورایی تشکیل دهند و برای برنامه‌ریزی رشته‌های مختلف و خط‌مشی فرهنگی آینده دانشگاه‌ها، بر اساس فرهنگ اسلامی و انتخاب و آماده‌سازی اساتید شایسته، متعهد و آگاه و دیگر امور مربوط به انقلاب آموزشی اسلامی اقدام نمایند».

روایت شمس آل‌احمد

شمس آل‌احمد، برادر جلال آل‌احمد، درباره اطلاعش از این حکم گفته است: «من در روزنامه دیده بودم امام فرمانی داده‌اند که این هفت نفر آقایان عضو شورای انقلاب فرهنگی هستند. مرحوم باهنر زنگ زد و گفت: فلانی دیدی؟ گفتم: بله. گفت: چه روزی؟ چه ساعتی؟ گفتم: من که کاری ندارم. من مریض‌احوالم، در خانه هستم و علاف، هر ساعت و هرکجا خواستید. اولین جلسه... تلقی من این بود که آقای خمینی حکم داده‌اند که شورای انقلاب فرهنگی هفت نفر از هفت قماش باشند، من و آقای جلال‌الدین فارسی یا من و آقای حسن حبیبی یا من و دکتر شریعتمداری یا هر کدام از آقایان، اصلا ما داخل یک جوال نیستیم...».

شمس در این گفت‌وگو که با پایگاه جماران انجام شده است، درباره ماهیت جلسات شورای انقلاب فرهنگی گفته: «در جلساتی که داشتیم، مباحثی بود که مثلا آیا علم با دین تعارض دارد؟ حالا که دین آمد، علم باید زیر پا گذاشته شود؟! آیا وقتی دین و حکومت دینی حاکم شد، فاتحه هنر خوانده است؟ و از این سؤال‌ها... البته تز مرحوم املشی و آقای فارسی این بود که این حرف‌ها چیست؟ الان دوران انقلاب است، آن‌قدر مسائل بزرگ و عظیم هست که شتابان باید رسیدگی شود...» .

اختلاف در شورا

شمس درباره اختلافات شورا نیز به دیداری که اعضای این شورا با امام داشته اشاره کرده و گفته است: «در شورا اختلافاتی هم داشتیم، مرحوم باهنر همیشه از من حمایت می‌کرد. کار اختلافات به جایی رسید که آقای باهنر که مدیر جلسه بود، احساس کرد کار به جای پیچیده‌ای رسیده است. خدمت امام رفتیم. قبل از صحبت آقای باهنر، آقای املشی صحبت را شروع کردند، حالت عصبانی هم داشتند. بنده خدا می‌گفت: آقا این چه وضعی است؟ ما را از قم می‌کشند می‌آورند اینجا و از درس و مشق می‌اندازند.

بعد این آقایان، (در اینجا با دست به سمت من اشاره کرده) می‌گویند: غلط کردید که دانشگاه را بستید.من اشاره کرده بودم که چرا الان دانشگاه را بسته‌اند. حالا ماه خرداد است. این کار اشتباه شده، اگر یک هفته صبر می‌کردید تعطیلات تابستانی شروع می‌شد اما بهانه چه بود؟ بهانه این بود که بسیاری از ساختمان‌های دانشگاه‌ها را گروهک‌ها گرفته‌اند. برای اینکه گروهک‌ها را بیرون بریزند، مصلحت این دیده بودند که اعلام بکنند که دانشگاه تعطیل است .آقای بنی‌صدر به همراه هیئتی و با قشون و حشم بلند شد به آنجا رفت. خوشبختانه درگیری (مهمی هم) نشد؛ اما تبلیغات خیلی کردند. تعبیر من این بود که اگر کمی خویشتن‌داری می‌کردیم، یک هفته یا ده روز دیگر دانشگاه تعطیل می‌شد و در زمان تعطیلات تابستانی بی‌سروصدا دفاتر گروهک‌ها را جمع می‌کردند».

دلایل انقلاب فرهنگی

عباس عبدی، عبدالمجید معادیخواه و عباس سلیمی‌نمین در جریان یک میزگرد به تحلیل واقعه انقلاب فرهنگی پرداخته بودند و تقریبا هر سه نفر که متعلق به پایگاه‌های فکری متفاوتی هستند، پایگاه سیاسی برخی گروه‌ها به ویژه گروه‌های چپ در دانشگاه‌ها و تحرکات آنها را عاملی برای ضرورت تعطیلی دانشگاه‌ها و انقلاب فرهنگی دانسته‌اند. عباس عبدی در این میزگرد ضمن روایتی از وضعیت دانشگاه‌ها پیش از انقلاب فرهنگی درباره ارتباط واقعه اشغال سفارت آمریکا و انقلاب فرهنگی گفته است: «پیش از انقلاب فرهنگی چیزی به نام دانشگاه نداشتیم و دانشگاه‌ها ستادهای سیاسی بودند. دانشگاه‌ها پر از علامیه بود، نه اعلامیه‌هایی مشابه اعلامیه‌های امروزی بلکه اعلامیه‌های بسیار تند و رادیکال، مثلا یک بار یکی از گروه‌های افراطی مارکسیست اعلامیه زده بود که چند نفر از نیروهای رژیم را در کردستان کشته است... البته لازم به ذکر است که دانشجویانی که در سفارت آمریکا بودند و تا آنجا که می‌دانم امام با بسته‌شدن دانشگاه مخالف بودند، مثلا آقای میردامادی از امام نقل‌قول می‌کرد که امام البته به دلایل دیگری با بسته شدن دانشگاه‌ها مخالف بودند، اما واقعیت این است که این فرایند رخ داد..»

روایت شهید باهنر

پایگاه پیشینه (عبرت پژوهی تاریخی) گفت‌وگویی از محمدجواد باهنر درباره انقلاب فرهنگی را منتشر کرده که تا قبل از آن منتشر نشده بوده است.

ادامه در صفحه ۱۵

الو شرق ۸۸۶۴۰۲۶۰

sharghline@sharghdaily.ir

پیامک: ۳۰۰۰۴۶۹۹

● **تورهای گردشگری برای پول‌داران نه حقوق‌بگیران!** تورهای گردشگری داخلی بسیار گران است و خانواده‌های کم‌درآمد به علت پایین‌بودن قدرت مالی‌شان نمی‌توانند سفر کنند. به عنوان نمونه هزینه رفت و برگشت به شیراز ۸۸۰ هزار تومان است؛ یعنی یک خانواده سه نفره باید دومیلیون و ۶۴۰ هزار تومان بپردازند. به نظر می‌رسد این‌گونه تورها برای افراد خاص و پولدارها مناسب است نه کارگران و کارمندان و حقوق‌بگیران!

علی‌اکبر- از تهران

● **نگذارید حق سیل‌زدگان ضایع شود!** مردم عزیز کشور ما با کمک‌های انسان‌دوستانه خود به سیل‌زدگان کمک کردند. امیدواریم پول‌های جمع‌آوری‌شده به‌خوبی مدیریت و توزیع شود، مبادا خدای نخواسته حق سیل‌زدگان ضایع شود!

محمدامین اردشیری از استان گلستان

● مسئولان در تعیین مسیر حرکت اتوبوس‌های خط تجریش- شهرک قائم دست به ریسک بزرگی زده‌اند، عبور اتوبوس‌ها از معبر باریک و شیب بسیار تند کنار بیمارستان مسیح دانشوری جان مسافران را در معرض خطر و تهدید قرار داده است.

یک مخاطب

● انتشار مقاله کشف فساد جدید در پرونده دکل گمشده شایسته تقدیر است. روزنامه «شرق» گوشه‌ای از روزنامه‌نگاری و اطلاع‌رسانی حقیقی را در صورت وجود مطبوعات آزاد ارائه داد. کاش اسامی اعضای هیئت‌مدیره شرکت خریدار نیز که مصوبات مورد نظر متهمان را تصویب و عملا مجوز خلافکاری صادر می‌کرده است، اعلام می‌شد. گفتنی است نقش بازرس قانونی شرکت تأسیسات دریایی در این زمینه لحاظ نشده است.

مرزبان

● از سازمان ثبت‌احوال کشور می‌خواهیم که تسریع ویژه‌ای در صدور کارت‌های ملی هوشمند داشته باشند چون باوجود اعلام دفاتر پیشخوان دولت مبنی‌بر اینکه صدور کارت‌های ملی هوشمند حداکثر دو ماه زمان می برد، متأسفانه چندین ماه است که در نوبت صدور کارت ملی هوشمند خود هستیم و هرجا هم که کار اداری داریم می‌گویند که بدون ارائه کارت ملی هوشمند کارتان را انجام نمی‌دهیم، لطفا رسیدگی شود.

مینایی از تهران

● حالا که قیمت روزنامه را چهار هزار تومان کرده‌اید و هیچ صفحه‌ای را اضافه نکرده‌اید، حداقل برای جبران، آخر هفته یک ویژه‌نامه حتی در قطع روزنامه به مخاطبان هدیه بدهید تا کمی دل‌خوش باشند.

یک مخاطب

● **تلاش برای زندگی بهتر:** بیشتر مردم برای اینکه بتوانند از عهده مخارج زندگی برآیند دو یا سه شیفت کار می‌کنند تا در آینده کمتر مشکلات اقتصادی را حس کنند؛ اما متأسفانه اوضاع به‌گونه‌ای است که مردم هرچه بیشتر کار و تلاش می‌کنند، کمتر نتیجه می‌گیرند. گرانی امان مردم را بُریده است. چرا مسئولان به فکر کاهش قیمت‌ها و رفاه و آسایش مردم نیستند؟

حسین رضایی

● **درخواست ساکنان خیابان رازی شرقی از شهرداری منطقه ۱۴ تهران:** جمعی از ساکنان خیابان پیروزی، خیابان شکوفه، کوچه رازی شرقی از شهردار منطقه ۱۴ تقاضای رسیدگی به تخلف عده‌ای مشاغل مزاحم از جمله سمساری‌ها، فروشندگان میوه و سبزی دوره‌گرد دارند که وقت و بی‌وقت مخل آسایش ساکنان شده‌اند.

رضا سیف از ساکنان

● **شهرداری منطقه ۱۵ رسیدگی کند:** روزهای پنجشنبه و جمعه فروشندگان دوره‌گرد در خیابان افسریه بساط پهن می‌کنند و این مسئله در رفت‌وآمد ساکنان و عابران در پیاده‌روهای کم‌عرض مشکل‌ساز شده است. اهالی از شهرداری منطقه ۱۵ تقاضای رسیدگی دارند.

حسین صناعتی
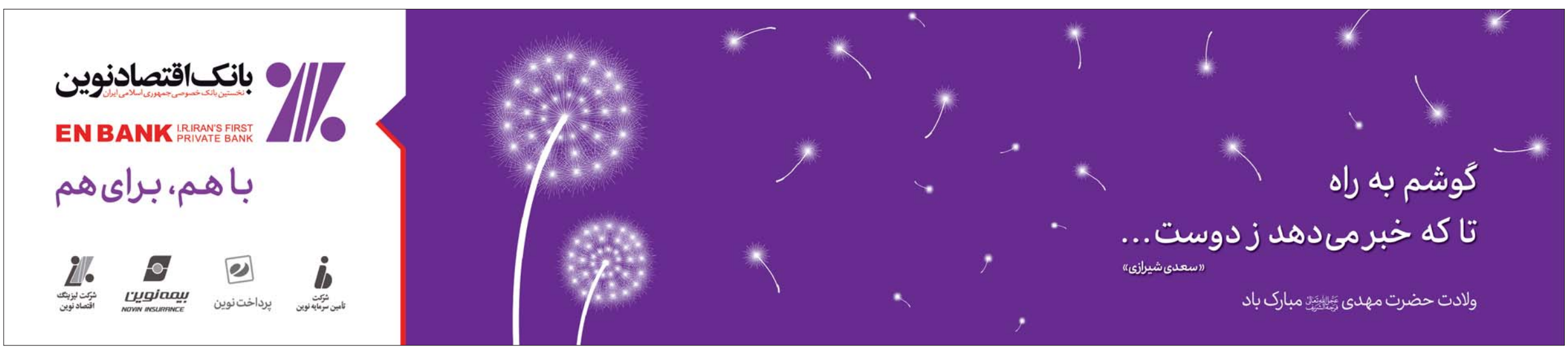
● **تذکرها کارساز نیستند!** متأسفانه تذکرها به فروشندگان عطر در طبقه‌های اول و زیرین ایستگاه متروی شهید حقانی از سوی مسئولان کارساز نیست. به‌دلیل اینکه توزیع تستر عطر به مسافران ادامه دارد و فروشندگان عطر در طبقه اول که هر روز افراد جدیدی هستند، با توزیع تسترهای عطر برای مسافران مزاحمت ایجاد می‌کنند. چرا مسئولان مترو یک بار برای همیشه به این مشکل به‌طور جدی و اساسی رسیدگی نمی‌کند؟ از مسافران دائمی خط یک مترو